

# The Reasons for the Transformation of the Statesmen of the Islamic Republic of Iran (1979-2021)

## ARTICLE INFO

### Article Type

Research Article

### Authors

Ebrahim Barzegar <sup>1\*</sup>

Maryam Amiri <sup>2</sup>

### How to cite this article

Ebrahim Barzegar, Maryam Amiri, The Reasons for the Transformation of the Statesmen of the Islamic Republic of Iran (1979-2021), Journal of Islamic Life Style Centered on Health.

1. Professor, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
2. PhD student, Department of Political Sociology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Barzegar@atu.ac.ir

### Article History

Received: 2022/01/31

Accepted: 2022/04/14

## ABSTRACT

**Purpose:** This research, with a new look at the phenomenon of transformation and its search in statesmen, seeks to investigate the transformation of the vision and behavior of the officials of the Islamic Republic of Iran before and after coming to power, and also in comparison with the first generation of officials of the Islamic Revolution.

**Materials and methods:** Some researches related to the subject in the field of the conditions of agents and the requirements of employing statesmen in the religious system have been studied before, and some of them have a degree of content affinity with the title of this research. But so far, the statesmen in the Islamic Republic have not been addressed from this angle. Due to the lack of resources and information and the need to create a theory during the research process, the qualitative research method and foundation data were used, which was operationalized according to Strauss and Corbin's three levels of open, central and selective coding. The tool of data collection was interviews with knowledgeable persons at the level of some officials and a group of persons familiar with the subject. The conceptual framework of the research is developed by borrowing from the theory of neuroticism and the concept of transformation.

**Findings:** The analysis of the findings indicates that the occurrence of contextual and insightful developments has transformed some officials of the Islamic Republic and their adherence and loyalty to the values of the 1957 revolution has been replaced over time with the pursuit of individual, group and family interests.

**Conclusion:** The nervousness at the beginning of the revolution, which was derived from religion and wealth, has gradually turned into compassion and in the following decades into solidarity, duty, and finally, overtaking.

**Keywords:** Islamic Republic of Iran, Nervousness, Statesmen, Transformation.

(۱۴۰۰)

ابراهیم برزگر<sup>۱\*</sup>استاد، علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول).مریم امیری<sup>۲</sup>دانشجوی دکتری، گروه جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه علامه  
طباطبائی، تهران، ایران

## چکیده

**هدف:** این پژوهش با نگاهی نو به پدیده تحول و جستجوی آن در دولتمردان درصدد بررسی تحول بینش و رفتار مسئولان جمهوری اسلامی ایران در زمان قبل و بعد از به قدرت رسیدن و همچنین در مقایسه با نسل اول مسئولان انقلاب اسلامی است.

**مواد و روش ها:** برخی تحقیقات نزدیک به موضوع در زمینه شرایط کارگزاران و بایسته های بکارگیری دولتمردان در نظام دینی پیش از این مورد مطالعه قرار گرفته است که تعدادی از آنها میزانی از قرابت محتوایی با عنوان این تحقیق را در خود داشته اند. اما تاکنون از این زاویه به دولتمردان در جمهوری اسلامی پرداخته نشده است. به دلیل کافی نبودن منابع و اطلاعات و نیاز به خلق نظریه در طی فرایند تحقیق، از روش پژوهش کیفی و داده بنیاد بهره-برداری شده که مطابق شیوه استراوس و کوربین در سه سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی عملیاتی شد. ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه با اشخاص آگاه در سطح برخی مسئولان و گروهی از اشخاص آشنا به موضوع بوده است. چارچوب مفهومی تحقیق با وام گرفتن از نظریه عصیبت و مفهوم تحول تدوین شده است.

**یافته ها:** تحلیل یافته ها حاکی است وقوع تحولات زمینه‌ای و بینشی، برخی از مسئولان جمهوری اسلامی را متحول نموده و پابندی و وفاداری آنان به ارزش های انقلاب ۵۷ در طی زمان با پیگیری منافع فردی، گروهی و خانوادگی جایگزین شده است. نتیجه گیری: عصیبت ابتدای انقلاب و برگرفته از دین و ولا در سیر نزولی به حمیت و در دهه های بعد به ترتیب به همبستگی، وظیفه و نهایتاً به سبقت جویی تبدیل شده است.

کلیدواژه: جمهوری اسلامی ایران، عصیبت، دولتمردان، تحول.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵

\*نویسنده مسئول: Barzegar@atu.ac.ir

## مقدمه

تحول امری همیشین و همزاد زندگی بشر است. اساس حرکت و پیشرفت در جوامع انسانی به تحول و نو به نو شدن و جوشش از درون و آفرینش در بیرون وابستگی تمام دارد. در منطق انسان شناسی توحیدی، مختار و صاحب اراده بودن آدمی و توانایی ایجاد تغییر و تحول، فصل تمیز او از دیگر موجودات و عامل ایجاد حق و تکلیف فردی و اجتماعی است. این دگرگونی و جابجایی، در طول زندگی بشر از آغاز تاکنون با گذر عمرها و عصرها به شکل تحول نسل‌های بشری خود را نشان داده است. در گذر از هر دوره، ارزش‌های جدیدی پا به عرصه حیات انسان می‌گذارند و ارزش‌های پیشین متعلق به نسل پدران متحول می‌شوند. در خط سیر توالی نسل‌ها، ویژگی‌های قراردادی و عرفی و بشری، گرفتار تغییر می‌شود و یا رو به سوی پیشرفت یا پسرفت حرکت می‌کند. تنها ارزش‌های فطری خلقت از ثبات برخوردارند و پس از افول مقطعی، مجدداً خود را نمایان می‌سازند و راه خود به متن زندگی بشر را باز می‌یابند.

اینگونه تحولات در اعصار مختلف در روندی آرام و پیوسته زندگی بشر را متحول کرده است. اما سرعت تحولات در صد سال اخیر به قدری پرشتاب و فزاینده بوده که بشر را دچار عارضه تحول در همه ابعاد فردی و اجتماعی کرده است. تحول نسل‌ها در انتظار گذران آهسته چند دهه باقی نمانده؛ بلکه تجارب نسلی مشترک برای گروهی از انسان‌های هم‌عصر نیز به عنوان یکی از عوامل اصلی تغییر ارزش‌های حاکم، تاثیرات خود را برجا گذاشته است. برخی از جامعه‌شناسان با در نظر گرفتن روزرسانی سریع ارزش‌های نسل‌ها که از ظرفیت معمول بشر برای تحمل تغییرات نیز فراتر رفته، بر این باورند که انسان امروزی، دچار عارضه تغییر شده است.

## طرح مساله

در پی تغییرات نسلی در جهان، طی چهار دهه گذشته در ایران نیز دگرگونی‌هایی به وقوع پیوسته است. به مانند هر جامعه دیگری، میان نسل گذشته و حال ایرانی تفاوت‌هایی بوجود آمده است. برخی از این پدیده به عنوان تفاوت نسلی و امری طبیعی و برخی دیگر به شکاف نسلی یاد می‌کنند. گروهی نیز فراتر رفته و آن را در حد بحران و گسل عمیق بین به شمار آورده‌اند. این تحول زمانی که با مولفه مهم سیاست و قدرت آمیخته شود و تحول در دولتمردان و سیاستمداران را شامل شود، اهمیت مضاعفی می‌یابد و آثار و نتایج آن دایره وسیع‌تری را در برمی‌گیرد.

در این نقطه گره و مسئله اصلی این تحقیق شکل گرفته است. سؤالاتی درخصوص چرایی تغییر یافتن بینش و رفتار مسئولان و دولتمردان نسبت به سالهای قبلی زندگی خودشان و در مقایسه با سیاسیون سالهای اول انقلاب مطرح است. صرفنظر از تفاوت‌های موجود در سرفصل برنامه‌های فکری و عملی مسئولان جمهوری اسلامی در دوران‌ها و دولت‌های مختلف، موضوع واحدی وجود دارد که در هر دوره تکرار می‌شود و تداوم و تعمیق آن موجب شکاف اجتماعی و آسیب به اعتماد عمومی شده است. این موضوع، سؤالی مربوط به چرایی و چگونگی عملکرد متفاوت مسئولان در دو مقطع زمانی قبل و بعد از به قدرت رسیدن از یکسو و نیز تفاوت با عملکرد مسئولان نسل اول انقلاب اسلامی و اهداف و برنامه‌های

به شکل و حالت دیگر، بازگشت از حالتی به حالت دیگر را تحول می‌گویند. در جهان باستان، پارمنیدس<sup>۲</sup> و شاگردش زنون<sup>۳</sup> بر این باور بودند که در جهان هستی چیزی به عنوان تغییر وجود ندارد. اما هراکلیتوس در مقابل آنها از تئوری حرکت گفت: همه چیز در حال تغییر است و هیچ چیز ساکن نیست و نمی‌توان دو بار به یک رودخانه قدم گذاشت. (۱) این بحث در روزگار کنونی نیز با موضوع جامعه‌شناسی ایستا یا جامعه‌شناسی پویا مطرح شده و از نظر برخی متفکرین اساساً موضوع جامعه‌شناسی پویا، همان تغییر است. چگونگی و چستی مفهوم تحول بشر نیز نیازمند شرح و بسط است. با توجه به ذوجهین بودن مفهوم تحول به سمت مثبت یا منفی برداشت‌های متفاوتی می‌توان از مفهوم تحول ارائه کرد که ناشی از جهان‌بینی‌های مختلف مادی و غیرمادی است. از آنجا که موضوع مورد بحث در حیطه حکومت دینی و ذیل جهان‌بینی اسلامی قرار دارد، لازم است که به شاخص‌های تحول فردی و اجتماعی از منظر آموزه‌های دینی و بر مبنای آموزه‌های قرآنی توجه نمود. در توضیح مفهوم تحول اعم از معنای مثبت به سمت سعادت و معنای منفی به سمت تباهی، با رجوع به قرآن کریم می‌توان دریافت که چگونه میزان رشد انسان در تحقق سعادت ارزیابی و آسیب‌شناسی می‌شود. در اندیشه الهی رشد و تحول از خود فرد شروع می‌شود و در ادامه در متن جامعه جریان می‌یابد. به همین دلیل رشد فردی با رشد و تعالی جامعه مورد سنجش قرار می‌گیرد. در سوره عصر راه نجات از خسران ابدی تنها به رشد درونی با ایمان و عمل صالح و تسری این رشد در جامعه از طریق تواضع به حق و امر به معروف بیان شده است. (عصر: ۲-۳) برخی متفکران غربی معتقدند تحول تنها در درازمدت و بیشتر از طریق جایگزینی یک نسل به جای یک نسل دیگر صورت می‌گیرد و تحول ارزشی از اولویت‌های مادی به فرامادی در میان نسل‌های مختلف را در نتیجه امنیت اقتصادی بلندمدت می‌دانند. اینان بروز نوع جدیدی از اختلافات سیاسی و مبتنی بر مسائل کیفیت زندگی را در دنیای کنونی به تحلیل نشسته‌اند در نقطه مقابل اندیشمندانی در حوزه مطالعات ایران درصدد برآمده‌اند که مفاهیم انقلاب و اصلاح را از منظر جامعه‌شناسی سیاسی و بر مبنای جایگاه دو عنصر مصلحت و اجتهاد برای دستیابی به راه‌کار شروع تحول و ضرورت رهبری ولایی در باب جامعه ایران تحلیل نمایند. (۲) برخی دیگر از یک‌سو چگونگی شکل‌گیری دولت، نهادها و ساختارهای جدید بعد از انقلاب توضیح داده و کارگزاران و نیروهای مؤثر بر تحولات این مقطع تاریخی معرفی کرده‌اند و از سوی دیگر رابطه پیچیده و تنگاتنگ تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تحولات سیاسی را تبیین نموده‌اند. (۳)

عصیت<sup>۴</sup> به عنوان مفهوم وام گرفته شده در این پژوهش، از پیوند میان نزدیکان یا قبایل و عشایر و حامیانی که مدافع و یا مدعی حکمرانی هستند، پدید می‌آید و در معنای آن هم‌سوگندی یا حلف و هم‌پیمانی یا ولا و طول ممارست و همنشینی از راه پرورش و شیرخوارگی وارد می‌شود. (۴) عصیت رابطه‌ای روانی و اجتماعی

اولیه آن را مطرح کرده است. این تحول فراتر از تغییرات فردی و شخصی یک مسئول بوده و ویژگی‌های مشترک و تکرار شونده آن میان مسئولانی با تجارب مشترک و قرار گرفتن در دوره مشخص تاریخی، آن را به مفهوم تحول نسلی نزدیک کرده است. از این منظر سؤالات بسیاری در اذهان توده‌های مختلف مردم در زمینه کنش‌های مسئولان در زمان قبل و بعد از به قدرت رسیدن وجود دارد.

در این معنا، تحول نسلی با نظریه مانهایم قرابت و نزدیکی پیدا می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که منظور از تحول نسلی، صرفاً جایگزینی فیزیکی نسل جوان‌تر مسئولان به جای نسل قبلی نیست. چرا که با این شاخص، می‌توان ادعا کرد که علیرغم کاستی‌های موجود، عملکرد سیستم سیاسی در زمینه تربیت نیروی انسانی و جایگزینی مسئولان و گردش‌نخبگان در سطوح مختلف، رخ داده و از منظر تحولات مترتب بر جامعه بشری و جابجایی و گذر زمان به شکل طبیعی، جایگزینی نسل جوان مدیران به جای سالخوردگان تا حدودی محقق شده است. اما از نظر بینشی و رفتاری، تغییرات دولتمردان و مسئولان، در حد تغییراتی که بین نسل‌های فیزیکی رخ می‌دهد، برای افراد جامعه قابل مشاهده و ملموس شده است.

از دیدگاه روانشناسی سیاسی چنین چرخش‌هایی باید مورد بررسی قرار گیرد. نیازهای روانی افراد، خصوصاً نخبگان از یکسو و ساختارها و نفوذ اجتماعی و نقش‌هایی که بر عهده آنان گذاشته می‌شود از دیگر سو، بر رفتار و نگرش سیاسی اجتماعی مردمان تأثیر می‌گذارد و دامنه وسعت این موضوع، سرتاسر زندگی یک دولت ملت را دربرمی‌گیرد. زیرا فهم شخصیت و رفتار دولتمردان به درک رفتار سیاسی و اجتماعی مردم آن سرزمین کمک می‌کند. بنابراین ضروری است در پی بررسی دلایل دگرگونی‌های رخ داده در سال‌های اخیر در دولتمردان و تحول رخ داده در میان برخی کارگزاران حکومتی در جمهوری اسلامی ایران برآمد. شناسایی، واکاوی و فهم چرایی این واقعیت جامعه‌شناختی، اقدامی است که پاسخگوی بخشی از وقایع جاری کشور در حوزه کنش‌های دولتمردان و اقلار و طبقات مختلف جامعه است. با این مقدمات، پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای چستی و چرایی تحول حکومت‌کنندگان در جمهوری اسلامی ایران و بررسی سیر آن است. متن حاضر اثری کیفی و پژوهشی در تحلیل تحولات دولتمردان بعد از انقلاب اسلامی در ایران و شناسایی ابعاد، پیامدها و عوامل مؤثر بر این تحولات است. تلاش شده است تا با فهم رابطه در هم تنیده و تنگاتنگ تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تحولات سیاسی، تغییر بینش و رفتار مسئولان تبیین گردد.

مرور ادبیات

ادبیات این مقاله از دو پایه مهم تشکیل شده؛ تحول و عصیت که در ادامه مختصراً به آنها پرداخته شده است. تحول<sup>۱</sup> به عنوان موضوع این پژوهش، از دیرباز ذهن بشر را همواره به خود مشغول کرده است. تبدیل کردن، وارونه کردن، منقلب کردن، تبدیل چیزی

<sup>۳</sup>. Zeno

<sup>۴</sup>. Asabiyyah

<sup>۱</sup>. Evolution

<sup>۲</sup>. Parmenidus

در نظریه‌پردازی از نوع داده بنیاد، محقق از قبل فرضیه‌هایی را تدوین نمی‌کند. زیرا پژوهشگران از فرضیه‌های از پیش ساخته منع شده‌اند. نظریه‌پرداز داده بنیاد می‌خواهد مجموعه‌های تلفیقی از فرضیه‌های مفهومی را که از داده‌ها پدید می‌آیند، ارائه کند. این یک روش تحقیق عمومی برای تدوین یک نظریه است. در این روش، نظریه محقق از داده‌هایی به دست می‌آید که به طور سیستماتیک در طول فرآیند تحقیق جمع‌آوری و تحلیل شده است. در این استراتژی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنباط می‌شود، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. محقق به جای این که مطالعه خود را با یک نظریه از پیش تعیین شده آغاز کند، با یک موضوع مطالعاتی محدود شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه از داده‌ها بیرون بیاید. این نظریه تا حد زیادی نشان‌دهنده واقعیت است و از آنجایی که نظریه‌های مبتنی بر داده‌ها استنباط می‌شوند، می‌توانند با نگاه عمیق‌تر خود، راهنمای قابل اعتمادی برای عمل محققان دیگر باشند.

روش داده بنیاد در حالت ساده خود فرآیند تدوین یک نظریه مدون از طریق جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل استقرایی آنها برای پاسخ به سؤالات جدید آن دسته از پژوهش‌های کیفی در آینده است که دارای مبانی نظری کافی در این زمینه نیستند. توصیف ساده فرآیندی که به صورت زنجیروار در حال اتفاق افتادن است، یک کار چالش برانگیز است. به همین دلیل است که برخی جملات ممکن است در متن گزارش نهایی، برای مخاطب نامفهوم به نظر برسد یا حتی بدون توجه و درک عمیق از آن بگذرد (۱۰). همانطور که گلنر گفته مشخص است، نمی‌توان برای روشی که بسیاری از فرایندهای آن به شکل همزمان انجام می‌شود و اکثراً شامل رفت و آمدهای زیاد است، مراحل مشخصی را بیان کرد. اما می‌توان ترتیب تقریبی اجرای روش را چنین دانست: طراحی تحقیق مشتمل بر جمع‌آوری اطلاعات، پردازش، کدگذاری، مقوله‌بندی، تنظیم و تسبیح، تحلیل و تفسیر داده‌ها، استنباط نظری، تنظیم مدل پارامتری و ارائه گزارش تحقیق.

#### یافته‌ها

با الهام از نظریه ابن خلدون، و با استفاده به روش کیفی، می‌توان گفت شکل‌گیری جمهوری اسلامی ایران جوشش نوعی عصیبت در پیوندهای ملی و دینی بر اساس ولا و حلف بود که سرانجام با همبستگی نسل اول انقلاب به تاسیس حکومت منجر شد. عصیبت در جمهوری اسلامی به عنوان نیروی محرکه درونی در مقاطع مختلف ده سال یک بار (به جای دوره‌های ۴۰ ساله) شکل تازه‌ای یافته و برخی تغییرات در آن بوجود آمده است. برای بررسی این سیر تحول دولتمردان و عصیبت آنان از ابزار مصاحبه با افراد آگاه و نیز برخی از مسئولان فعلی و قبلی در سطوح مختلف استفاده شد. بدین منظور داده‌هایی که از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته به دست آمد در مرحله کدگذاری باز، بررسی و مفاهیم اصلی مربوط به آنها مشخص شدند. برای تحلیل کدها، شیوه تجزیه و تحلیل

است که افراد گروه معینی را براساس حلف، خون و ولا به هم پیوند می‌دهد. ارتباط آن دائمی است و در زمان خطر و تهدید موجودیت گروه، ظهور می‌کند. در معنی دیگر نیروی گروهی است که توانایی رویارویی به عنوان دفاع یا مطالبه حکومت را برایشان فراهم می‌کند. (۵). ابن خلدون صاحب نظریه عصیبت، تعریف دقیق و منسجمی از مفهوم محوری نظریه، ارائه نداده است و به روشنی آن را تعریف نکرده است. با این وجود، تعریف نسبتاً عملیاتی آن چنین است: عصیبت، قدرت محرکه و شرط اساسی استقرار دولت در بین مردم محسوب می‌شود. منشأ عصیبت در فطرت، نسب و حسب، دین، محیط جغرافیایی و نوع معیشت است. (۴) نظریه عصیبت حاکی از آن است که پیشرفت یا پسرفت جامعه از کنش متقابل عوامل اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی در دوره بلندمدت تأثیر می‌پذیرد.

در بررسی آثار موجود در خصوص عصیبت دیدگاه‌های مختلفی به دست می‌آید. برخی ابن خلدون را متعلق به «دنیای قدیم» و اندیشه او را دارای همان ویژگی‌های تفکر سنتی اسلامی و یونانی دانسته‌اند. به تعبیر برخی متفکران، اندیشه خلدونی نتوانست به هویت اصیل دست یابد و کاری جز تکرار پاره‌ای مضامین و بحث‌های فلسفی دوره باستان انجام نداد. گروه دیگری از محققان معتقدند که عصیبت ابن خلدون دارای مضمونی نو است و می‌توان به مقایسه آنها با اندیشه‌های مدرن و نو پرداخت و ادعا شده که اغلب دیدگاه‌های او با آنچه که در جامعه‌شناسی نوین مطرح است، انطباق دارد. (۶). گروهی دیگر تلاش کرده‌اند راه میانه را برگزیده و چهره‌ای واقع بینانه‌تر از نظریه عصیبت او ترسیم کنند. (۷)

#### مواد و روش‌ها

این پژوهش به روش کیفی داده بنیاد<sup>۱</sup> تنظیم شده است. نظریه داده بنیاد از جمله روش‌های پژوهش کیفی است که ابتدا در سال ۱۹۶۷ از سوی بارنی گلنر<sup>۲</sup> و آنسلم استراوس<sup>۳</sup> ابداع شد و در کتاب مشهور آنان با عنوان «کشف نظریه زمینه‌ای<sup>۴</sup>» انتشار یافت. آنان نظریه زمینه‌ای را فرایندی برای کشف نظریه از طریق دستیابی نظام‌مند به داده‌های پژوهش اجتماعی تعریف کرده‌اند. تئوری داده بنیاد یک روش استقرایی مبتنی بر مدل مفهومی شاخص است که هدف آن تولید نظریه‌های جدید است که ریشه در داده‌ها دارند. نظریه داده بنیاد مجموعه‌ای از یافته‌ها نیست. بلکه بیشتر مجموعه‌ای یکپارچه از فرضیه‌های مفهومی است. این نظریه فقط گزاره‌های ممکن در مورد روابط بین مفاهیم است. در مفهوم اول، نظریه‌پردازی داده‌های نظریه زمینه‌ای یک روش «استقرایی» برای کشف نظریه است که محقق را قادر می‌سازد تا یک گزارش نظری از ویژگی‌های کلی موضوع ایجاد کند، در حالی که به طور همزمان مبنایی برای این امر فراهم می‌کند و گزارش را در مشاهدات تجربی تثبیت می‌کند. (۸). در معنای دوم «نظریه‌پردازی داده بنیاد، فرایندی نظام‌یافته و کیفی برای تولید نظریه‌ای است که یک فرآیند، کنش، یا برهم کنش را درباره یک موضوع در سطح مفهومی کلی تشریح کند. (۹)

<sup>۳</sup>. Straus

<sup>۴</sup>. Discovery grounded theory

<sup>۱</sup>. Grounded Theory

<sup>۲</sup>. Glaser

نشان می‌دهد عصبیتی که در آغاز انقلاب اسلامی در دولتمردان شکل گرفته بود، در گذر از دهه‌های چهارگانه عمر جمهوری اسلامی و اثرگذاری عوامل گوناگون، در مسئولان و دولتمردان رو به افول نهاد. دوره‌های مورد نظر عبارتند از: سال ۵۷ تا ۶۷ دوره اول، سال ۶۸ تا ۷۸ دوره دوم، سال ۷۹ تا سال ۸۹ دوره سوم و سال ۸۹ تا ۱۴۰۰ دوره چهارم. در اینجا به مقایسه مراحل دولت در نظریه عصبیت ابن خلدون و تطبیق آن با دوران عمر جمهوری اسلامی بر اساس نتایج مصاحبه‌ها و یافته‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

استراوس و کوربین، به کار گرفته شد. واحد اصلی تحلیل در این مرحله، مفاهیم بود. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم هم‌معنا و مشترک در کنار هم قرار گرفتند. به این مفهوم که دسته بندی‌های اولیه در مرحله قبل، با یکدیگر مقایسه شدند و پس از جانمایی کدهایی که مفهوم نزدیک به هم و مشابه داشتند، مواردی که به هم مربوط می‌شدند، حول دسته مشترکی قرار گرفتند. در این مرحله، ابعاد کدگذاری شکل گرفت و سه مقوله محوری، شامل شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر به تفکیک سوالات پرسش‌نامه بیان شد. در مرحله انتخابی نیز یک هسته مرکزی و انتزاعی و دربرگیرنده تمامی مقوله‌های اصلی انتخاب شد که سایر مقوله‌ها و مفاهیم با آن قابل توضیح و تبیین است. سپس به مشابهت یابی مراحل دولت در نظریه عصبیت ابن خلدون و تطبیق آن با دوران عمر جمهوری اسلامی بر اساس یافته‌های تحقیق پرداخته شد. نتایج

#### جدول ۱. کدگذاری باز- دلایل تحول بینشی و کنشی مسئولان

مفاهیم اولیه
ضعف تقوا و بنیان‌های مذهبی و درونی افراد
دوری مسئولان از خودسازی و تزکیه نفس در زمان قدرت
بی‌توجهی به پرورش فضایل اخلاقی و تقویت اخلاق سیاسی
نداشتن تقوای الهی و نترسیدن از قیامت و سوال و جواب آخرت
تحصیل بخش قابل ملاحظه‌ای از انقلابیون در خارج از کشور و بازگشت به ایران و در اختیار گرفتن مصادر حساس امور در سال‌های اولیه انقلاب
اعتماد به نفس کاذب برخی از مبارزان دیرروز و مسئولان امروز پس از پیروزی بر نظام پادشاهی و قائل شدن هاله قداست بر رفتار و اعمال خود
میل به سو استفاده از قدرت در انسان و تغییر خلقیات بشر در اثر ورود به عرصه قدرت و سیاست
طبیعی بودن تغییر شخصیت و نگرش انسان‌ها در طی زمان و تغییر ارزش و باورها در مردم عادی و صاحبان قدرت
باور قلبی نداشتن بخشی از بدنه مسئولان حاکم به ارزشهای جمهوری اسلامی و تظاهر و ریاکاری از اول انقلاب
جو روانی سنگین حاکم بر دهه ۶۰ به عنوان یک جامعه انقلابی و مقاوم در برابر هر نوع کج رفتاری و ناسازگاری مسئولان با ارزشهای حاکم و پنهان ماندن تضادها در پستوی خانه مسئولان
ثبات قدم و اصالت جریان سنتی بازاریان در مبارزات قبل و حمایت‌های بعدی آنان از انقلاب و شکل‌گیری الگوی رویایی از ثروتمندان انقلابی
زیست مناقضانه و دوگانه برخی از سیاستمداران برای نفوذ در سیستم حاکم و کسب قدرت و ثروت و آشکار شدن این نفاق در دهه‌های بعد
تغییر نگرش مسئولان نسبت به موضوع خدمت
پایبند نبودن به چارچوب‌ها و الزامات وظیفه و مسئولیت
تغییر نظر برخی سیاسیون به امکان پیشرفت ایران تحت روش‌های حکومتی جمهوری اسلامی
ضعف گفتمان سیاسی انقلاب در الگوسازی از حکومت امام علی (ع) و مطالبه برپایی حکمرانی عادلانه
چشم پوشی سیستم قضایی از خطاهای سیاسیون و اطرافیان آنها
ضعف در مطالبه عملکرد مطلوب از مسئولان توسط مردم و توده‌ها
نبود احزاب کارآمد و قوی و مشخص کننده چارچوب حقوق و تکالیف مسئولان پس از به قدرت رسیدن
بی‌ثباتی و ناامنی‌های دهه ۶۰ و ترور مسئولان و لزوم حراست فیزیکی از جان آنها و شکل گرفتن فاصله اولیه بین مردم و مسئولان و خانواده آنها با مردم عادی کوچک و بازار
واگذاری دائم یا موقت خانه‌های مجلل به مسئولان و سکنی گرفتن مدیران و سیاسیون در منازل مصادره شده متعلق به درباریان رژیم پهلوی و رخنه خوی اشرافی‌گری در بین این دسته از مسئولان و فاصله گرفتن از سطح زندگی عادی مردم محروم و درگیر جنگ و کمبود اقتصادی
نبود شایسته سالاری، نامشخص و رانتی بودن مراتب ترقی و جابجایی در پست‌های گوناگون حکومتی با اتکا به ظواهر افراد یا توصیه دیگران
اعطای پست و مقام به مسئولان بدون توجه به عملکردهای قبلی آنان و پیامدهای اجتماعی رفتار آنان در ضربه زدن به اعتماد مردمی و کارآمدی حکومت دینی
نبود نظارت بر عملکرد و رفتار اجتماعی مسئولان در حین اشغال مناصب حکومتی

شدت تغییر در مسئولان در همان دهه اول و منجر شدن به برکناری از سمت عالی مانند ماجرای قائم مقام رهبری و افراد خانواده وی کاهش آزادی‌های سیاسی و اعتراض مدنی و سالم مردم نبود انجمن‌های مردم نهاد قوی و ناظر بر ارکان مختلف جامعه همسان دانستن خطاهای مسئولان با مشروعیت و مقبولیت حاکمیت و عملکرد نظام سیاسی اقتدارگرایی سیاسی و نبود کثرت‌گرایی اجتماعی و فرهنگی بی‌اطلاعی توده مردم از حقوق شهروندی خود در زمینه بازخواست از عملکرد مسئولان بی‌عملی رسانه‌های مکتوب و دیداری و شنیداری در برابر انحراف کارگزاران حکومتی در دهه دوم و سوم افزایش ظرفیت تغییر سیاسی بعد از پایان جنگ و آشکارتر شدن تضاد عملکردها استفاده ابزاری از مردم در مقاطع انتخابات به عنوان عامل بالا بردن مشارکت به نفع نظام سیاسی بدون ارائه آگاهی و آموزش مشارکت صحیح و معیارهای انتخاب درست کاهش همکاری‌ها و نظارت‌های بین‌المللی به دلیل جو ناشی از جنگ و تحریم و بسته بودن فضای تعامل با خارج از کشور در دو دهه اول انقلاب افزایش تهدیدات خارجی بعد از پیروزی انقلاب و لزوم حفظ وحدت بین مردم و مسئولان و از اولویت خارج شدن بررسی عملکرد مسئولان با توجه دوری از وحدت شکنی رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی و کنار رفتن هاله قداست و کاریزمای اطراف مسئولان و منتسبان یا اطرافیان آنان افزایش تبعیض و بی‌عدالتی، نابرابری اجتماعی و تعمیق شکاف طبقاتی بین زندگی مردم با مسئولان بعد از جنگ تضاد ارزشی مدیران ارشد کشور با جوانان بازگشته از جنگ و خانواده آنان گسترش پدیده فرزندسالاری و خانواده سالاری مسئولان و برتری قشری به نام آقازاده در برابر فرزندان مردم عادی شدن رانت خواری و استفاده مسئولان از ارتباطات ناسالم در خدمت منافع شخصی رایج شدن فساد اداری و دور زدن قوانین به دلیل ضعف ساختارهای بروکراتیک ضعف تاریخی بنیادهای اقتصادی و تعمیق آن با مشکلات تحریم و رواج فساد اقتصادی در بین مدیران و کارگزاران حکومتی شکل‌گیری سبک زندگی رفاه طلبانه و اهتمام به مانور تجمل مسئولان از دهه دوم انقلاب رسمیت یافتن فرار سرمایه‌های انسانی و فکری به خارج از کشور برای رسیدن به زندگی بهتر ضعف سیستم مدیریتی کشور و آمار بالای آزمون و خطای طرح‌های کلان اقتصادی و اجتماعی گسترش فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی و نمایان شدن ابعاد و زوایای مختلف مشکلات جامعه پیش چشم مردم افت کیفیت زندگی روزمره مردم در برابر ارتقای سطح درآمدی مسئولان و ظهور پدیده حقوق‌های نجومی خویشاوندسالاری نزدیکان مسئولان دولتی و شکل‌گیری طبقه جدیدی به نام یقه سفیدان وصلت‌های خانوادگی و فامیلی درهم تنیده در خانواده‌های مسئولان دولتی و حکومتی از همه طیف‌ها و شکل‌گیری شبکه‌ای مشابه هزار فامیل در زمان پهلوی و ممانعت از ورود به بررسی خطاهای هر یک از این خانواده‌ها به سبب پیوندهای حکومتی و خانوادگی و نسبی و سببی عادت به تنبلی و کاهلی و بی‌دغدغه بودن فرزندان و خانواده مسئولان برای کسب درآمد و ثروت بادآورده تاثیرگذاری فرزندان برخی از مسئولین بر خط‌مشی‌ها و رفتارهای سیاسی والدین خود بویژه فرزندان تحصیل کرده در غرب تحصیل برخی مسئولان و مدیران در کشورهای غربی و تاثیر گرفتن از اندیشه‌های غربی و سکولاریستی کاهش بهره‌وری مسئولان و دریافت حقوق و مزایا و امکانات عالی در قبال کار ناچیز و زحمت اندک حضور و عضویت همزمان مسئولان دولتی و اطرافیان آنها در مصادر مهم اقتصادی، عضویت هیئت مدیره شرکتها و بنگاه‌های پرسود اقتصادی و بسته ماندن راه ورود دیگران یا بررسی عملکردهای آنان احساس درجا زدن در افکار عمومی مردم و ناتوانی در تغییر جایگاه اقتصادی و اجتماعی خود با وجود سعی و کوشش بوجود آمدن حس بی‌اعتمادی اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی وابستگی به نفت و درآمدهای نفتی و احساس برخورداری از حق استفاده از این ثروت در بین مسئولان و نبود نظارت بر چگونگی توزیع درآمدهای نفتی کشور عضویت مسئولان و خانواده آنها در شرکتهای پرسود نفتی شکنندگی اقتصاد و ترس روانی مدیران کشور از سقوط ناگهانی از جایگاه حکومتی و از دست دادن منبع درآمدهای مطمئن خود ناتوانی کارگزاران حکومتی از تولید اقتصادی بدون رانت و در شرایط برابر با مردم عادی و وابستگی آنها به رانت قابل توجه دولتی و اطلاعاتی شکل‌گیری تعداد قابل توجهی از مفاسد اقتصادی در بین مسئولان و طبقه یقه سفیدان اطراف آنها (اختلاس، دزدی، احتکار، اسراف، ضربه به بیت المال، کلاهبرداری، فروش اطلاعات کشور به بیگانگان، خیانت در امانت و...)

نبود اطلاعات کافی از اموال و دارایی‌ها و شفاف نبودن میزان حقوق و امکانات دریافتی مسئولان طی سال‌های مختلف و در مناصب گوناگون دولتی اجرا نشدن قانون نظارت بر افزایش دارایی‌های مسئولان و قانون از کجا آورده‌ای، قبل و حین و بعد از تصدی مشاغل حکومتی

عدم موفقیت نظام در ترویج و توسعه ارزش‌های انقلابی و درونی‌سازی آنها به عنوان یک باور کم شدن امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشور و اتکای طرح‌های عمرانی به بانکها و در پس پرده آنها تکیه به مسئولان ناسالم خصوصی‌سازی نادرست و در واقع اختصاصی‌سازی سرمایه‌های ملی به نفع طبقه خاصی از مفسدان اقتصادی و حامیان حکومتی آنها دور شدن از اتمسفر انقلاب اوایل دهه ۶۰ و مواجهه با فضای جدید عرفی و اجتماعی سیستم بیمار بانکی و فراهم شدن مجال برای پولشویی و سرمایه‌گذاری‌های پرسود و غیرتمیز برخی از مسئولان دولتی در نظام بانکی و ربوی کشور تاثیرپذیری مسئولان از یکدیگر و از محیط حاکم بر طبقه مسئولان و خانواده‌های آنها سکولاریزه شدن دیدگاه‌ها در مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی شکل‌گیری طبقه اشراف سیاسی حامل ارزش‌های متفاوت از گفتمان رسمی نظام حاکم تحصیل بسیاری از مدیران کشور در غرب و در نتیجه تغییر نظام ارزشی و اجتماعی آنها خروج از فضای شعاری و آرمانگرایانه اوایل انقلاب و دستیابی به قدرت و در نتیجه تغییر در میزان آرمانگرایی مسئولان در مقایسه با خود آنان در اوایل انقلاب و در برابر تفکر خدمت به مردم تغییر نگرش و به تبع آن فرهنگ کسب پست و مقام در نظام اسلامی و جایگزینی تفکر خدمتگزاری محرومان و مستضعفان با مدیریت بر مردم از آسمان به زمین رسیدن شماری مسئولان و برخورد با واقعیت‌های حکومت داری تاثیرپذیری مسئولان از شخصیت کاربزمای بنیانگذار انقلاب امام خمینی (ره) جو روانی ناشی از فضای معنوی جنگ هشت ساله دور شدن از فضای احساسی و آرمانی اوایل انقلاب و جایگزینی طبیعی و غیرقابل تقییح آن با مادیگرایی و رفاه طلبی مسئولان آشنایی با رفاه و توسعه دیگر کشورها توسط مردم و مسئولان در جهان ارتباطات نوین و مطالبه رشد اقتصادی، رفاه و امکانات مادی توسط مسئولان و مردم هموار نبودن راه مشروع و مجاز برای پاسخ به نیازهای اولیه به دلیل ساختارهای غلط تاثیرگذاری اهمیت مسائل مادی بر نگرش افراد و از اولویت ذهنی خارج شدن مسائل معنوی و رشد و تعالی الهی و انتقال این نگرش به نسل بعد مردم و مسئولان پدید آمدن نسلی از مدیران کشور دارای مطالبات مادی و رفاه طلبانه و در نتیجه شکل‌گیری مسئولان دوگانه: در شعار آرمانگرا و در عمل مادیگرا تداوم آموزه‌ها و ارزش‌های اوایل انقلاب میان برخی از مدیران انقلابی نسل اول با مدیران نهادهای انقلابی و شباهت آنان به تابلوهای زیبا در یک مجموعه آثار هنری با کارکرد دیدن و لذت بردن بدون تاثیر بر محیط عمومی پیرامون طبیعی بودن مادیگرایی در روند توسعه و ثبات سیاسی و اقتصادی تبدیل شدن پاکدستی و حفظ ارزشها در مدیران به ارزشی فردی و نه اجتماعی تحول نسلی مسئولان از بهشتی‌ها به طبری‌ها و از رجایی‌ها به دولتمردان کنونی به دلیل غلتیدن کشور از ساختار انقلابی به ساختار شبه سکولار و کاپیتالیستی قربانی شدن مکانیزم‌های نظارتی و شفافیت ساختار اقتصادی و سیاسی پیش پای روابط و ارتباطات مافیایی و تبدیل مسئولان کشور به طبری تولید و بازتولید اخلاقیات خاص در روند استحاله و تحول فکری و عملی مسئولان سازگاری انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن با اقتصاد دولتی دهه ۶۰ و تاکید بر توزیع ثروت عمومی بوجود آمدن تفکر منفعت‌طلبی به علت سوق یافتن اقتصاد کشور به سمت خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی زیر سوال رفتن نظام آموزش و پرورش کشور و مخدوش شدن عدالت و نزاهت تعلیم و تربیت برخلاف آرمانهای انقلاب اسلامی به دلیل رواج تفکر سودمحوری فاصله معنادار و تبعیض‌آمیز امکانات آموزشی در مدارس فرزندان مسئولان دولتی با دیگر دانش‌آموزان در سیستم آموزشی کشور و شکل‌گیری توهم برتری و تمایز آنان در برابر دیگر همسالان خود ایجاد رانت‌خواری، تبعیض و اختصاصی‌سازی به جای خصوصی‌سازی به دلیل ضعف اجرای قانون خصوصی‌سازی و نبود نظارت بر شیوه اجرای آن در اولویت قرار گرفتن نفع شخصی و منافع مادی و در نظر گرفته شدن وضعیت اقتصادی والدین حتی در خدمات رسانی آموزش و پرورش تبدیل شدن نفع شخصی و میزان ثروت به بالاترین معیار و ملاک و موجه شدن کسب درآمد به هر طریق ممکن دوری مسئولان منفعت طلب از مفاهیمی چون مقاومت و از خودگذشتگی انقلابی و آموزه‌های اوایل انقلاب در پیش گرفتن سبک زندگی متفاوت از سال‌های اولیه انقلاب اسلامی دور شدن مسئولان از بدنه اجتماعی و مردم وعده‌های انتخاباتی دروغین برخی از متخبین مردم در قوای مختلف و فاصله قول تا عمل آنها در پیش گرفتن زندگی مجلل و اشرافی در برخی از مسئولان و فاصله گرفتن از متن مردم تفاوت دو نگاه به قدرت: اصرار و درخواست از افراد برای قبول کردن مسئولیت در دوران اول انقلاب و نپذیرفتن آنها در مقابل استفاده از رانت و

دهندگان به ساختارها و روندها و فرایندهای اداره حکومت، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل شرایط روز و لزوم برقراری فوری نظم سیاسی، از میان در دسترس ترین افراد با حداقل بررسی‌ها و با کمترین میزان پایبندی فکری و عملی به سیستم جدید انتخاب شدند. افرادی که لزوماً به ماهیت حکومت دینی باور نداشتند. اما تا دهه‌های بعد همچنان در ساختار قدرت باقی ماندند. در ادامه و در مرحله کدگذاری محوری تمامی گزاره‌ها مطابق روش تحقیق داده بنیاد به سه دسته عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر دسته بندی شده‌اند.

در پی یافتن عوامل تحول در مسئولان، طیف گسترده‌ای از مفاهیم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بین‌المللی به دست آمد که هر یک در جای خود، با فراوانی‌های خود تا رسیدن به حد اشباع محاسبه شده است. بدیهی است که نباید از ارتباط درهم تنیده متغیرهای مختلف در شکل‌گیری یک پدیده مرتبط با قدرت در طول چند دهه عبور کرد. موشکافی و تحلیل همه موارد مستخرج از مصاحبه‌ها، در جای خود لازم به نظر می‌رسد و هر کدام از وزن و اثرگذاری منحصر بفردی برخوردارند. اما آنچه مورد توجه قرار گرفته آن است که بخش قابل توجهی از نیروهای دولتی و شکل

## جدول ۲. کدگذاری محوری

شرایط علی	شرایط زمینه‌ای	شرایط مداخله‌گر
<ul style="list-style-type: none"> <li>◀ طبیعت تغییرپذیر بشر</li> <li>◀ ضعف ایمان و تقوا و اخلاق</li> <li>◀ تظاهر و ریاکاری</li> <li>◀ رسوخ تفکرات غربی در حکومت داری</li> <li>◀ عدم شرح و تکمیل گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>◀ تربیت سیاسی ناهمگون</li> <li>◀ تغییر شخصیت متناسب با تغییرات زمانه</li> <li>◀ اقتصاد وابسته به نفت</li> <li>◀ نظام بروکراسی در خدمت صاحبان قدرت</li> <li>◀ تغییر سبک زندگی خانوادگی و اجتماعی مسئولان</li> <li>◀ جامعه‌پذیری فرزندان مسئولان در خارج کشور و بیرون از جریان اصلی جامعه</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>◀ وقوع جنگ و لزوم دفاع از موجودیت کشور</li> <li>◀ نقش ضعیف رسانه‌ها و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی کشور</li> <li>◀ تحولات نظام بین‌الملل</li> <li>◀ الزامات دوران نظام سازی و تثبیت انقلاب</li> </ul>

نامرئی از درون شیوه آموزش، جامعه‌پذیری و تربیت سیاسی خود مدیران و شیوه پرورش فرزندان آنها در داخل و حتی خارج کشور و در فضاهای آموزشی هدایت شده و جدا از زندگی واقعی مردم شکل گرفته و به اطرافیان آنها نیز منتقل شده است. بخشی از آنچه که از نحوه نگاه قیم مآبانه برخی دولتمردان نسبت به توده مردم ملاحظه می‌شود، نتیجه آموزش‌های ارائه شده و حاکمیت بی‌عدالتی آموزشی چند دهه گذشته بوده است. سایر مقولات نیز در جای خود حائز اهمیت است. اما اصلاح رویه‌های موجود نظام تربیتی و جلوگیری از جامعه‌پذیری نادرست نسل بعدی دولتمردان ضروری به نظر می‌رسد.

در ادامه کدگذاری محوری به عوامل دخیل در پدیده تحول دولتمردان پرداخته شده است. شرایط مداخله‌گر، عام و از جنس محیط هستند. بخشی از این شرایط معطوف به سال‌های اول پیروزی انقلاب و پایه‌ریزی ساختار سیاسی جدید بوده است. در کنار الزامات نظام سازی پس از وقوع انقلاب فراگیر، موضوع «وقوع جنگ هشت ساله و لزوم دفاع از موجودیت کشور»، بسیاری از ضروریات دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار داد و برخی دیگر به دلیل شرایط بحرانی، برای همیشه به فراموشی سپرده شد. در این میان وجود فضای رسانه‌ای بسته در داخل کشور و هدفمندی جریان انتشار اطلاعات اعم از عملکرد مسئولان، شفافیت درباره وضعیت قبل و بعد از مسئولیت آنان و نقد عملکردها و ارائه اطلاعات و آموزش به مردم در خصوص حقوق و تکالیف متقابل مردم و

شرح جدول: شرایط علی همان عواملی است که بر مقوله محوری اثر دارند و مباحث دارای ارتباط با پدیده را می‌سازند. در اینجا شرایط علی شرح می‌دهند که به چه دلیل و در اثر چه رخدادهایی، گروهی از دولتمردان دچار تحول شده‌اند.

بخشی از این تحول، برخاسته از «طبیعت تغییرپذیر بشر» است و وقوع برخی از تحولات در شخصیت انسانها اعم از سیاستمدار و غیر آن، امری طبیعی در حیات انسان است. اما تحول بدون اراده و اختیار انسانی و خواست خود او، معنا ندارد. چراکه اختیار و آزادی در سرشت و خلقت انسانی قرار داده شده است. از سوی دیگر تحول در انسان دارای دو بعد درونی و بیرونی است که در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار دارند. شرط علی دیگر در این خصوص، «ضعف ایمان و تقوای الهی» در برخی افراد بوده است که به عنوان دولتمرد و صاحبان قدرت و اعتبار در حکومت اسلامی از آنان یاد می‌شود. «شخصیت ریاکار و متظاهر» برخی دولتمردان نیز از جمله علل شکل‌گیری این پدیده در بیش از چهار دهه گذشته بوده است.

پس از شرایط علی به زمینه‌های پدیده پرداخته شده است. شرایط زمینه‌ای خاص و از جنس پدیده و حاکم بر فضای زیست اجتماعی و سیاسی هستند. طیفی از عوامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و بروکراتیک و حتی آموزشی در این تحول دخیل بوده‌اند. در این میان «تربیت سیاسی ناهمگون»، به عنوان اصلی‌ترین جلوه بیرونی تحول دولتمردان پیش چشم جامعه قرار گرفته و موضوعی برجسته و قابل لمس است. تحولی که در چهل سال گذشته به شکل بطئی و

هم‌افزایی و حفظ وحدت بین مردم و مسئولان برای بقای کشور نیز مطرح بود. این موضوع در غیاب رسانه‌های آگاهی بخش و نبود چندصدایی، به عامل دیگری برای سرپوش گذاشتن بر تضادهای بینشی و رفتاری آشکار برخی از مسئولان تبدیل شد و هر نوع ابهام و سوال در افکار عمومی به عنوان امری مذموم و در راستای وحدت شکنی، تقبیح و به حاشیه رانده می‌شد.

مسئولان مورد غفلت قرار گرفت. در نتیجه جریان‌های یکسویه و از پایین به بالا برای حمایت دائمی و بدون سوال و جواب مردم از حکومت و به تبع آن از دولتمردان و مدیران کشور شکل گرفت. از سوی دیگر جو سیاسی و اجتماعی ملتهب و پرمخاطره دهه اول انقلاب و ترور تعداد زیادی از مسئولان وقت، فضای افکار عمومی را در موضع حمایت همدلانه از دولتمردان قرار داد. علاوه بر این تحولات، به دلیل محیط بسته داخلی و قرار گرفتن کشور تحت فشارهای بین‌المللی زمان جنگ، موضوع لزوم

جدول ۳. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی		
عوامل علی	عوامل زمینه‌ای	عوامل مداخله‌گر
ضعف جمهوری اسلامی در بازتولید و روزآمد کردن گفتمان خود	تقاطع نابهنجاری‌های ساختاری و ضعف حکمرانی	اعتماد نظام به مسئولان و مدیران خود و ناکارآمدی سیستم نظارت درونی و پالایش بیرونی دولتمردان

شکل‌گیری عصیبت تابع شرایط و مقدماتی است. اول آنکه اصل موجودیت گروهی از مردمان به خطر افتاده باشد و احساس خطر جمعی شکل گرفته باشد تا بر مبنای آن عصیبت و غرور جمعی تولید شود. دوم آنکه ثمره این نوع از عصیبت برای نسل‌های بعدی آشکار می‌شود و میوه فیض آنرا فرزندان نسل هم پیمان خواهند چشید. سوم آنکه عصیبت نسل بعدی هرگز به پایه شرافت و عظمت عصیبت پدران خود نخواهد رسید. (۱۱، ۱۲). در اینجا به روند عصیبت در دوره حیات جمهوری اسلامی به منظور شناخت تحول در دولتمردان پرداخته شده است. آنچه که در جداول پیش رو در تشریح شرایط جمهوری اسلامی در هر مقطع زمانی آمده برگرفته از متن مصاحبه‌ها است.

شرح جدول: در مرحله کدگذاری انتخابی، عصاره دلایل وقوع تحول در دولتمردان با در نظر گرفتن تمامی عوامل در سه سطح مفهوم سازی شده است. در جمع بندی عوامل علی، «ضعف جمهوری اسلامی در بازتولید و روزآمد کردن گفتمان خود» را می‌توان نقطه مرکزی علیت‌ها به شمار آورد. این مفهوم، طیف وسیعی از مفاهیم را دربرمی‌گیرد. در بررسی زمینه‌های رخ دادن پدیده نیز برآیند و «تقاطع دو محور نابهنجاری‌های ساختاری و ضعف حکمرانی» را می‌توان فراگیرترین مفهوم برای توضیح آنچه که رخ داده دانست. در موضوع عوامل مداخله‌گر نیز «اعتماد نظام به مسئولان و مدیران خود و ناکارآمدی سیستم نظارت درونی و پالایش بیرونی دولتمردان»، بیشترین نقش را در پدید آمدن دیگر عوامل مداخله‌گر داشته است.

عصیبت در دولتمردان جمهوری اسلامی

جدول ۴. مقایسه نسل اول نظریه ابن خلدون با شرایط جمهوری اسلامی ایران

پیدایش و ظفر، نسل اول، موسس	
شرایط عصیبت	شرایط جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۵۷-۱۳۶۷
نسل اول بر خلق و خوی اولیه، تنگی معیشت، دلاوری و اشتراک در فرمانروایی ایستاده‌اند. عصیبت آنان از شدت بالایی برخوردار است. ضربت شمشیر آنان مهیب و قدرت آنان باشکوه و عامل خوف و هراس دشمنان است و مردم مغلوب و فرمانبر آنان هستند. نیروی جدید برای سلطه و اهداف کسب قدرت به دست می‌آید و قدرت قبضه می‌شود و دشمنان نابود می‌شوند. در این مرحله رهبر و حاکم، مورد تمجید و تحسین است و حفاظت از تمامیت ارضی بر اساس عصیبت شکل می‌گیرد و حاکم همیشه در کنار شهروندان است.	پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس عصیبت دینی ولا و حلف شکل گرفت. سال‌های سختی و کمبود دهه شصت با اعتماد و همراهی مردم و مسئولان و اقتصاد انقباضی و جیره‌بندی مایحتاج عمومی سپری شد. مشروعیت و مقبولیت توأمان جمهوری اسلامی در اوج قرار داشت. ارزش‌های دینی به عنوان نقطه اشتراک اقشار و گروه‌های مردم مورد توجه بود. زندگی مردم و دولتمردان ساده‌زیستانه و به دور از تجملات بود و فاصله چندانی با هم نداشت. مصرف‌گرایی امری مذموم بود. از مرحله نظام سازی و تشکیل نهادهای متناسب با نیازهای انقلاب جدید به سلامت عبور شد. با وجود هشت سال جنگ و تهدید تمامیت ارضی و مرزهای کشور، حدود جغرافیایی کشور با جنگاوری و دفاع سرسختانه جوانان حفظ شد. در راس حکومت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر و بنیانگذار حکومت با شخصیت کاریزماتیک خود باعث وحدت همه گروه‌ها بود. یاران نسل اول ایشان یعنی مبارزان قبل از انقلاب و زندان دیدگان دوران پهلوی، اداره امور کشور را در دست گرفتند و دولتمردان به ارزش‌های انقلابی حاکم بر نظام دینی پایبند بودند.

## جدول ۵. مقایسه نسل دوم نظریه این خلدون با شرایط جمهوری اسلامی ایران

شرایط عصیبت	شرایط جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۶۸-۱۳۷۸
نسل دوم بعد از دوران کشورداری در زمانه تنعم و تن آسایی بر سر کار آمده‌اند. بنابراین خلق و خوی آنها تغییر می‌کند و از سختی به گشایش می‌رسند و از حکومت اشتراکی، به استبداد و قدرت مطلق روی می‌آورند. در این هنگام یک نفر به تنهایی فرمانروایی می‌کند و سایر اعضای دولت بدون تلاش برای حفظ آنچه به آنها رسیده است، به سستی گرایش می‌یابند و از تفاخر و بلندپروازی و قدرت طلبی به خفت و رفاه تن می‌دهند. بنابراین عصیبت از جوشش خالی می‌شود. اما هنوز برخی از ویژگی‌های عصیبت در افراد باقی می‌ماند. در ادامه استبداد و خودکامی به وجود می‌آید و یک نفر انحصاراً به دنبال قبضه قدرت می‌افتد و به سهم کردن دیگران بی‌توجهی می‌کند. این همان مرحله‌ای است که به غلبه بر قوم و قبیله خویش و قبضه قدرت و ممانعت از دست داشتن دیگران در اداره حکومت می‌رسد.	آغاز سیاست اقتصادی درهای باز از سال ۶۸ بود. به دنبال آن لزوم برخورداری مردم از رفاه و پایان گرفتن سختی دوره انقلاب و جنگ در دستور کار قرار گرفت. عوارض خلاء شخصیت کاریزماتیک بنیانگذار انقلاب، در این مقطع آشکار می‌شد. لزوم سازندگی کشور و ستایش دولتمردان به گوش می‌رسید. افزایش جمعیت و تعداد فرزندان امری مذموم و عامل سختی و تنگی معیشت معرفی شد و شعار فرزند کمتر، زندگی بهتر تبلیغ می‌شد. روزنامه‌ها و مطبوعات از لزوم بازسازی روانی از جنگ برگشتگان و آسیب دیدگان و کنار رفتن آنها و استراحت در ادامه مسیر می‌نوشتند. تبلیغات تلویزیونی به مفهوم جدید سرمایه دارانه، آغاز شد و تشویق به خرید و مصرف کالاهای جدید و غیرضروری باب شد. تغییر قانون اساسی و تشکیل نظام ریاستی، شخص رئیس جمهور را در اجرای برنامه‌های توسعه گرایانه مطابق توصیه‌های مجامع اقتصادی جهانی، مبسوط الید می‌کرد. دولتمردان آن مقطع به اعتراضات مردمی درباره فشارهای اقتصادی و اجتماعی و تضادهای فرهنگی توجهی نداشتند و آنرا مقدمه پیشرفت می‌دانستند و له شدن مردم زیر چرخ‌های توسعه را امری اجتناب ناپذیر بیان می‌کردند. تشویق مردم به مانور تجمل از تریبون رسمی از جمله رویکردهای خاص دوره رفاه و تنعم بود. در میانه دهه هفتاد نیز تلاش‌هایی برای مادام العمر کردن ریاست جمهوری مبتنی بر شخصیت و اقدامات رئیس جمهور وقت صورت گرفت که از مصادیق انحصارگرایی بود.

## جدول ۶. مقایسه نسل سوم نظریه این خلدون با شرایط جمهوری اسلامی ایران

شرایط عصیبت	شرایط جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۷۹-۱۳۸۹
آسودگی و رفاه نسل سوم، مقلد	در این مقطع عمر انقلاب دو دولت مختلف با دو نوع شعار بر سر کار بودند. شعار جامعه مدنی و گفتگوی تمدن‌ها در همین دوره از سوی دولت وقت مطرح شد. مفاهیمی چون ابعاد حکومت دینی و امر به معروف دولتمردان و حفظ ارزش‌ها با تساهل و تسامح فرهنگی جایگزین شد. اعتراضات شکل گرفته در این مقطع، غالباً سیاسی و غیراقتصادی بود. برخی از انتشاردهندگان انواع مانیفست‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی این دوران در دهه‌های بعدی به عنوان اعضای اتاق فکر کشورهای متخاصم علیه ایران درآمدند و به تعبیر این خلدون و در نوع امروزین آن، این دوره بر شمار مزدوران افزود. نوعی از جریان مطبوعاتی پرفشار و قوی برای تغییر محاسباتی افکار عمومی و نخبگانی شکل گرفت که عصیبت پیدایش انقلاب را مدنظر داشت. امتیازگیری افراد نزدیک و خویشاوندان و هم مسلک‌های سیاسی در این دهه رسمیت یافت. در نیمه دوم این دهه دولت دیگری با شعار بازگشت به ارزش‌های دهه شصت برسر کار آمد و برخی اقدامات در خصوص احیای شعارها و کنش‌ها و اهداف اولیه انقلاب را به انجام رساند. اما به سبب نقاط فکری، امتیازدهی به نزدیکان و چندگانگی شخصیتی دولتمردان این دولت نیز در نیمه راه، مسیر دیگری در پیش گرفته شد. در واقع نوع جدیدی از عناد با ساختار سیاسی و با مردم و خودکامگی و استبداد، در این مقطع بین دولتمردان مشاهده می‌شود.

## جدول ۷. مقایسه نسل چهارم نظریه این خلدون با شرایط جمهوری اسلامی ایران

شرایط عصیبت	شرایط جمهوری اسلامی در دهه ۱۳۸۹-۱۴۰۰
مسالمت جویی و رضایت به وضع موجود، نسل چهارم، ویرانگر	

در این دهه تهاجر به تجمل و ثروت اندوزی و تنعم و تراسانی رسمیت یافت و کسب ثروت و امتیاز ویژه از سوی دولتمردان درجه اول کشور و خانواده و منسوبان و اطرافیان آنها به عنوان امتیاز و نشانه‌ای از موفقیت اجتماعی و اقتصادی معرفی شد. مشاغل جدیدی چون جامعه‌دار و پیرایشگر برای دولتمردان تعریف شد که تا قبل از این وجود نداشتند. همکاری با کشورهای متخاصم در جمع‌آوری اطلاعات کشور تعریف تازه‌ای یافت. ساختن بناهای خاص به عنوان محل تفریح و زندگی دولتمردان و استفاده از امکانات تجملی برای استراحت و رفع خستگی رایج شد. اعتماد و درپیش گرفتن راه مسالمت و نرمخویی برای اجتناب از هر نوع تقابل احتمالی با دشمنان، سرلوحه سیاست خارجی قرار گرفت. بهره‌مندی خانواده صاحبان قدرت از امتیازات ویژه و گسترش فاصله بین زندگی دولتمردان با توده جامعه مشاهده شد. تلاش حدقلی برای سامان دادن امور مملکت، صورت می‌گرفت. افتخار دولتمردان، پیروی و الگوگیری از شیوه اداره حکومت در دهه دوم انقلاب بود و خود را میراث‌دار آن دوران به شمار می‌آوردند.

حاکمان ناز و تنعم را افزایش می‌دهند و عصیت کاملاً فراموش می‌شود و حس جنگجویی زائل می‌شود. در این شرایط دولت به سوی انحطاط پیش می‌رود و منقرض می‌شود. در مرحله مسالمت‌جویی و خرسندی، رهبران راه مسالمت را در پیش می‌گیرد و به تقلید از گذشتگان به امر حکومت می‌پردازند. معتقدند که اگر از تقلید پیشینیان گامی فراتر نهند، مایه تباهی کار می‌شود و به فرمانروایی، خللی راه می‌یابد. چراکه گذشتگان را در بنیانگذاری کاخ و سروری و بزرگی بیناتر از خود می‌دانند.

#### جدول ۸. مقایسه وضع نهایی نظریه ابن خلدون با شرایط جمهوری اسلامی ایران

شرایط عصیت	شرایط جمهوری اسلامی بعد از سال ۱۴۰۰
اسراف و اضمحلال، مرگ	
زمان این مرحله پایانی آن هنگام است که تمام آنچه که پیشینیان جمع کرده بودند در راه شهوت و لذت و خوشی نابود می‌شود و حکومت به دست خاصان و کارگزاران بدکار و فاسد اداره می‌شود. همزمان با این روند، حاکم به افراد شایسته قوم خویش و خدمتگزاران قبلی بدی می‌کند. از اینجاست که دوران پیری طبیعی عمر دولت آغاز می‌شود و بیماری و ضعف، همه بخش‌ها و ارکان دولت را به شکلی درمان ناپذیر در برمی‌گیرد. بنابراین طبع دولت فرسوده و پیر خواهد شد و توان رهایی خود از بیماری مزمن فساد را نخواهد داشت و منقرض می‌شود.	در صورت بی‌توجهی به عملکرد دولتمردان، رسیدن جمهوری اسلامی ایران به نقطه ذکر شده در مرحله اضمحلال عصیت ابن خلدون غیر محتمل نیست. چنانچه تحولات شکل گرفته در مسئولان مطابق روند چند دهه گذشته و با همان سرعت و شدت ادامه یابد، جمهوری اسلامی ایران با وضعیت نامتعادل و نابسامانی روبرو خواهد شد. اما این روند، قابل اصلاح به نظر می‌رسد و می‌توان از سوق دادن جمهوری اسلامی به سمت مرحله آخر که از نتایج بدعملی حاکمان است، جلوگیری کرد.

اگرچه با مقایسه تطبیقی مراحل نظریه عصیت با دوران چهل ساله جمهوری اسلامی ایران برخی مشابهت‌ها و نزول پلکانی در عملکرد و تحولات بینشی و کنشی دولتمردان قابل مشاهده است؛ اما شایسته است به عوامل مهم و اثرگذاری اشاره کرد که در نظریات عصیت مورد غفلت واقع شده است. یک نظام سیاسی برای حیات و تداوم خود غیر از نیروی محرک اولیه، نیازمند مبانی و اصولی است که پایه‌های اصلی و زیربنایی آن را تشکیل می‌دهند. میزان استواری و استحکام مبانی و اصول در ثبات و ماندگاری نظام سیاسی، نقش مستقیم دارد. در صورتی که اصول و مبانی نتواند در طی زمان، قدرت و پویایی خود را حفظ نماید و پاسخگوی نیازهای جدید و روزآمد مردم خود نباشد، حرکت سیستم مختل شده و موجودیت نظام سیاسی به خطر می‌افتد. در کنار مبانی و اصول نظام، ظرفیت و کارآمدی یک نظام سیاسی نیز برای ادامه حیات آن لازم است. چنانچه نظامی نتواند بر اساس

شرح جداول تطبیقی: از سال‌های آغازین دهه اول انقلاب، وقوع تحولات زمینه‌ای درون و برون اجتماعی، عملکرد برخی از مسئولان جمهوری اسلامی را تحت تاثیر قرار داد و عصیت آنان را که برگرفته از دین و ولا بود به حمیت<sup>۱</sup> تبدیل کرد. (مرحله اول از عصیت به حمیت). در دهه دوم با جابجایی گسترده در ارزش‌ها، برخی از مسئولان و حاکمان جامعه دچار تغییرات ارزشی شدند و حمیت در آنها به همبستگی تبدیل شد (مرحله دوم از حمیت به همبستگی<sup>۲</sup>). در دهه سوم عمر انقلاب تغییرات نگرشی در برخی از حکومت‌کنندگان، باعث اولویت بخشیدن آنان به منافع شخصی در مقابل مصالح جمعی و جایگزینی همبستگی با انجام وظیفه شد. (مرحله سوم از همبستگی به وظیفه<sup>۳</sup>). در سال‌های پایانی دهه چهارم، تجارب مشترک نسلی در گروهی از حاکمان جمهوری اسلامی، باعث شکل‌گیری طبقه خاصی از آنان شد و انجام وظیفه را با سبقت‌جویی در آنان جایگزین کرد (مرحله چهارم از وظیفه به سبقت‌جویی<sup>۴</sup>).

<sup>۱</sup> Duty آنچه که اجرای آن در عهده کسی باشد یا ضرورتی برای کار و فعالیت انسان که به نتیجه معینی انجامد.

<sup>۲</sup> Competition تلاش فردی شده برای دستیابی به هدف‌های کمیاب مثل پول، مال، مقام، محبوبیت، وجهه، امتیاز ویژه و قدرت سیاسی.

<sup>۱</sup> Zeal همت، سعی و کوشش مشتاقانه برای انجام کاری یا قصد و توجه به تمام قوای روحی و هدایت آن برای وصول به کمال خود یا دیگران یا اخلاص نسبت به چیز یا شخص معین.

<sup>۲</sup> Solidarity همکاری و اشتراک مساعی افرادجامعه برای مرفه‌تر و مترقی‌تر ساختن زندگی و مقاومت در برابر ستم، تعدی و تجاوز

در شرایط سخت و رفع نیازهای اولیه زندگی مردم اکتفا کردند (۱۴). این بازگشت به نیازهای اولیه زندگی مردم جامعه، فاصله زیادی با کسب کمال انسان به عنوان آرمان انقلاب اسلامی داشت. جمهوری اسلامی تنها بر شاخص‌های توسعه و برنامه‌ها و اشخاصی که بتوانند کشور را از بحران‌ها و مشکلات مقاطع مختلف عمر انقلاب عبور دهد، تمرکز کرد و چشم اندازی فراتر از آن برای تربیت حاکمان و مدیران و مسئولان هم‌تراز با آرمان‌های خود طراحی نکرد. چرخش رفتاری و گفتاری دولتمردان از چالش‌های است که در بحران‌های کوچک و بزرگ سال‌های اخیر خود را به خوبی نشان داده و باعث کاهش انسجام عمومی و سرمایه اجتماعی بخشی از بدنه مردم با مسئولان کشور و عاملی برای انباشت خشم و سرخوردگی عمومی شده است (۱۵).

انقلاب اسلامی تلاش برای پی‌ریزی جهان نو و انسان جدید بود. امری که موفقیت نهایی آن نیازمند نظام‌سازی و کار مداوم و عادات صحیح و برنامه‌ریزی دقیق برای تربیت کارگزار و نیروی انسانی است. برای تربیت نسل دولتمردان، انتساب آنان به خانواده و افکار و ارزش‌های اولیه کافی نیست. بلکه عادات دولتمردان در مقاطع مختلف و در حین انجام مسئولیت نیز بایستی مورد نظارت و مراقبت دائمی قرار گیرد. ناهماهنگی ارزشی بین آرمان‌ها و عادات و محیط بسته و کانالیزه شده دولتمردان، طبیعت ثانویه آنان را به شکل متفاوتی شکل داده است (۱۶). همین تحول باعث تبدیل عصبيت ابتدای پیروزی انقلاب به رقابت‌جویی بر سر کسب قدرت و منافع آن شده است. نتایج نشان می‌دهد دولتمردان جمهوری اسلامی هر ده سال بعد از تجربیات مشترک ارزشی و فکری و نگرشی و اشتراکات تاریخی و جغرافیایی ناشی از حضور مستمر و درهم تنیده در ساختارهای مختلف قدرت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، یک گام به تحول و تغییر نسبت به گذشته خود نزدیک شده‌اند.

راهبردها

اینک انقلاب اسلامی در دهه پنجم عمر خود بیش از هر زمان دیگری، محتاج نقد دلسوزانه و علمی است. اساس و ذات انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که این حرکت یک انقلاب دینی بوده است. لذا، نداشتن باور به این امر مهم از سوی مدیران ارشد نظام این معنا را به ذهن متبادر می‌کند که برخی دولتمردان در شناخت اصول اولیه انقلاب اسلامی ضعیف بوده‌اند. پذیرش این نکته، مطلب مهم‌تری را نمایان می‌سازد و آن پرنشندن فاصله بین دولتمردان و جمهوری اسلامی است. برخی از دولتمردان در تراز انقلاب اسلامی ظاهر نشدند و تحول رخ داده در آنها نیز روز به روز فاصله‌ها را بیشتر نمایان ساخت.

دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی گرچه در ظاهر اسلامی و مردمی بودن انقلاب را پذیرفته‌اند، اما در عمل مطابق برداشت خود و بعضاً خلاف جهت آن عمل کرده‌اند. در واقع تبعیت دولتمردان، از نوع حقیقی و از روی ایمان نبوده است. برخی از حکومت‌کنندگان حتی تربیت شدگان مراکز حوزوی، از ابتدا مفهومی به نام جمهوری اسلامی را قبول نداشتند و خود را ذیل تفکرات دیگری تعریف کرده‌اند. این آسیب اثرات آشکار و پنهان خود در دولت‌های بعد از انقلاب به جا گذاشته است. همچنین تقلیل ابعاد این آسیب به دولتمردان، برداشت جامعی نیست. چراکه ابعاد این تفکر در مراکز

مبانی و اصول خویش، پیشرفت و تحول در زندگی شهروندان خود ایجاد نماید، ادامه حیات آن با وقفه مواجه خواهد شد. همچنین تمامی نظام‌ها با آسیب‌ها و چالش‌های مختلفی در داخل و خارج مواجه می‌شوند که در صورت شناسایی دقیق و برطرف نمودن آنها می‌توانند به حیات خویش ادامه دهند. عدم توجه به سه مولفه مهم مذکور یعنی مبانی و اصول محوری نظام، ظرفیت و کارآمدی نظام و توانایی برطرف نمودن چالش‌ها و آسیب‌های پیش روی آن، ممکن است نتایج متفاوت دیگری را به دنبال داشته باشد.

جمهوری اسلامی در هر سه مولفه مذکور دارای ظرفیت و توانمندی‌های اثبات شده‌ای است. در زمینه مبانی و اصول، ارزش‌هایی چون خداجویی، عدالت‌طلبی، استقلال، آزادی، مبارزه با ظلم و ستم از اهداف اصیل انقلاب اسلامی است. این مبانی ریشه در فطرت انسانی داشته و کهنه نخواهد شد و برای همه نسل‌ها، دارای جذابیت بوده و از این ظرفیت برخوردار است که با تغییر و دگرگونی در نیازها و انتظارات در هر زمان، قابلیت سازواری و هماهنگی نظام را فعال نماید و انعطاف سیستم سیاسی و فطری بودن مبانی فکری آن می‌تواند به ماندگاری در دهه‌های بعد منجر شود. در زمینه کارآمدی نیز با توجه به تمامی کاستی‌ها و نواقص موجود، فهرست قابل اعتنایی از پیشرفت‌های کشور در ابعاد مختلف قابل احصاء است که به ماندگاری نظام سیاسی دلالت دارد. در مولفه سوم نیز جمهوری اسلامی تاب‌آوری خود را در بحران‌های سخت داخلی و خارجی به اثبات رسانده است. از نظر نرم افزاری و مسائل مربوط به روابط مردم و دولتمردان مطابق آموزه‌های دین اسلام، ارتباط مستقیمی با شیوه حکمرانی و رفتار دولتمردان آن جامعه با تحولات جامعه وجود دارد.

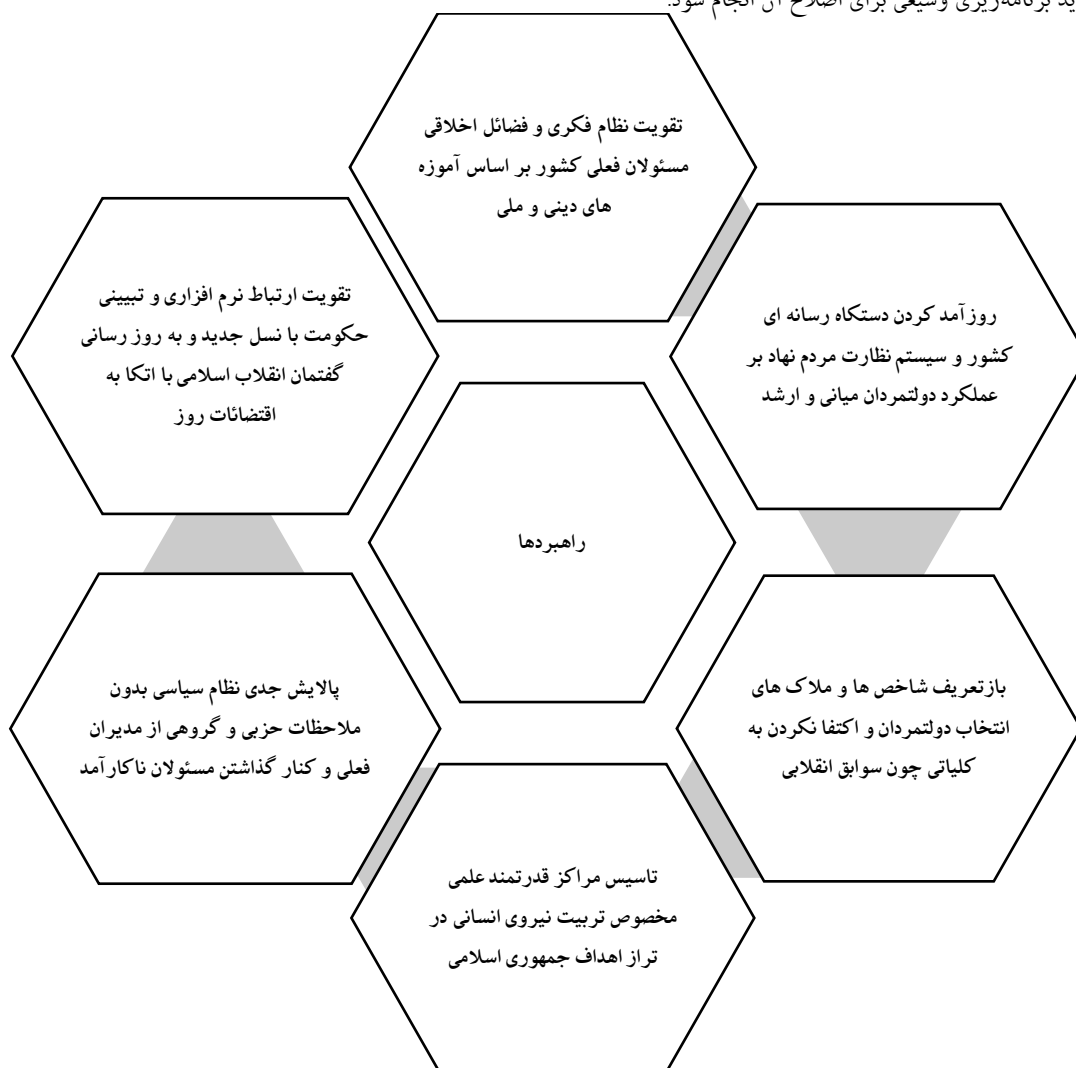
نقطه جدایی نظریه عصبيت با روح حاکم بر جمهوری اسلامی از پایان نظریه آغاز می‌شود. در پایان عمر دولت خلدونی، اضمحلال و سر برآوردن عصبيت جدید و تشکیل دولت تازه قرار گرفته است. اما به دلیل ویژگی‌های ذاتی و آموزه‌های فطری حاکم بر گفتمان انقلاب اسلامی، برای این دولت امکان بازیابی و تطبیق آنها با شرایط روز جامعه فراهم است. بنابراین اصلاح رویه‌های موجود در نحوه گزینش و انتخاب و به کارگیری و نظارت بر عملکرد دولتمردان و پالایش درونی از ضرورت برخوردار است.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی قدرت و حکومت به مفهوم غربی را در ابعاد معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مادی نپذیرفت. اولین کار انقلاب اسلامی مقابله با ساحت مادی قدرت و سیاست در غرب بود و توحیدگرایی که اصل و اساس اسلام و انقلاب اسلامی بود مقابل انسان‌گرایی مادی غرب پا به عرصه قدرت و سیاست مدرن گذاشت (۱۳). اما در حرکتی آرام و نزولی، نشانه‌های نگاه مادی حکومت غربی در دولتمردان بروز کرد. این سیر نزولی از آنجا شکل گرفت که از ابتدا برنامه‌ای برای تربیت نیروی انسانی و کادرسازی حاکمیتی متناسب با دورنمای حکومت جمهوری اسلامی و برنامه‌های آرمانی آن برای امت اسلام وجود نداشت. دولت‌های مختلف در رفت و آمد خود همراه با جمعی از افراد با نزدیکترین تجارب فردی و زیستی مشترک، مستقر شدند و تنها به اداره جامعه

در شکل زیر راهبردهای پیشنهادی برای گذر از این انحراف مسیر و ادامه راه به شکل موفقیت آمیز و رفع کاستی‌های موجود در عرصه نیروی انسانی و نرم افزاری دولتمردان جمهوری اسلامی ایران در قالب یک نمای کلی ارائه شده است.

علمی، دانشگاهی، مطبوعاتی، رسانه‌ای و حتی حوزوی و مراکز کادرسازی فکری و فرهنگی و دینی نیز قابل مشاهده است. این امر تمامی مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار داده و مواجهه با آن در سطح ملی را ضروری کرده است و باید برنامه‌ریزی وسیعی برای اصلاح آن انجام شود.



شکل ۱. راهبردهای پیشنهادی برای مدیریت تحول نسلی دولتمردان

Parvin Gonabadi, Tehran, Scientific and Cultural Publications

5. Al-Jabari, Mohammad Abed, (1971), the teachers of the theory of Khalduniyyah in Al-Tarikh al-Islami, Rabat, all manners of the society of Muhammad V

6. Schmidt, Nathaniel, (1388) Ibn Khaldun: Historian, Sociologist and Philosopher, translated by Gholamreza Jamshidiha, Tehran, Research Institute of Cultural and Social Studies

7. Barzegar, Ebrahim, (2015), Political Psychology, Tehran, Samt, 5th edition

## References

1. Wall, Zhan, (1370) discussion in metaphysics, Tehran, Kharazmi, 4th edition
2. Zoulam, Ali, (1384), The Theory of Transformation in Islam (An Approach to the Religious Discourse of the Revolution), Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization
3. Fouzi, Yahya, (1401), social political developments in the Islamic Republic of Iran, Tehran, page
4. Ibn Khaldoun, Abdurrahman, (1359), introduction, translated by Mohammad

8. Figueroa, S.K (2008). "The Grounded Theory and the Analysis of Audio-Visual Texts". *Int. J. Social Research Methodology*, Vol. 11, No. 1, PP.1-12. .
9. Gibb, Hamilton Alexander Rosskeen. (1933). "Islamic Background of Ibn Khaldun's Political Theory", *Bulletin of the School of Oriental Studies, University of London*, Vol. 7, No. 1, Published by: Cambridge University Press on behalf of the School of Oriental and African Studies. Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/607600>
10. Glaser, B. (1992). "Basics of Grounded Theory Analysis: Emergence versus Forcing", Mill Valley: the Sociology Press,
11. Athari, Hossein, (1388), Ibn Khaldun and the application of historical sociology method in the analysis of political and social developments, collection of papers of Ibn Khaldun commemoration conference, Tehran, Humanities Research and Development Institute
12. Al-Jabari, Mohammad Abed, (2012), Glossary of Civil Science Terms, translated by Kamiyar Sedaghat Samarhosseini, Tehran, Aftab Development Publishing House
13. Ahmadvand, Shuja, (2004), Power and Knowledge in Iran, Tehran, Culture and Thought
14. Hossein, Taha, (1382), Ibn Khaldoun's social philosophy, translated by Amirhoshang Danaei, Tehran, Negah Publications
15. Radmanesh, Ezzatullah, (1357), Ibn Khaldun's Generalities of Philosophy, History and Civilization, Tehran, Qalam Publications
16. Glaser, B. & Strauss, A, (1967) "Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research". Chicago, IL: Aldine